

تحول و دگرگونی گروه‌های آموزشی دانشکده هنرهای زیبا*

دکتر محمد مهدی عزیزی

تاریخ دریافت مقاله: ۸۱/۱۲/۲

تاریخ پذیرش نهایی: ۸۲/۵/۲۸

چکیده:

هنر، معماری و شهرسازی ایران از دیرباز جایگاه ویژه‌ای در محدوده فرهنگی جهان داشته و دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران به عنوان پایه گذار این رشته‌ها در نظام آموزش عالی کشور از سابقه درخشان شصت ساله برخوردار است. این دانشکده با عملکرد خود تاثیر عمیقی در فضای هنری و کالبدی مملکت بر جای گذاشته و صاحب نظران و هنرمندان بسیاری را چه در مقیاس ملی و چه در مقیاس جهانی در خود پرورانده است. به موازات تحولات در ابعاد مختلف توسعه کشور، رشته‌ها و گروه‌های آموزشی دانشکده هنرهای زیبا نیز با تحولات و دگرگونی‌هایی مواجه بوده است. در حالی که شصت سال پیش این دانشکده با سه رشته معماری، نقاشی و مجسمه‌سازی تاسیس گردید، اینک با بیش از بیست رشته و درمقاطع مختلف کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری، رسالت خود را در ابعاد آموزشی و پژوهشی همچنان ادامه می‌دهد. عزم و اراده دانشگاه و دانشکده برای ارتقای دانشکده و ایفای نقش رسالتی آن فراهم است، که این امر ناشی از تاریخ، هویت و نیز توان بالای علمی موجود در آن است و این خود به سادگی قابل کسب نیست. با این حال، چالش‌های فراروی دانشکده قابل تامل هستند و پویایی و ارتقای آن نیازمند ابزاری است تا بتواند در قالب برنامه و طرح یکپارچه و مطمئن، تداوم در ایفای نقش ملی آن را به دنبال آورد، که هنر، معماری و شهرسازی در تنظیم توسعه کشور و در ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، زیست محیطی و کالبدی، نقش کلیدی و تعیین کننده دارند.

واژه‌های کلیدی:

هنر، معماری، شهرسازی، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تحول، دگرگونی.

* این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی مصوب شورای پژوهشی دانشگاه تهران تحت عنوان "بررسی روش‌های کمی و کیفی در جهت ارتقای رشته‌های هنر، معماری و شهرسازی در دانشگاه تهران" تهیه شده است. همکاران طرح پژوهشی مذکور آقایان دکتر سید محسن حبیبی، دکتر اصغر ساعد سمیعی، تاجبخش فناپیان و مجید کیانی بوده‌اند. ضمناً از اساتید محترم آقایان مرتضی ممیز، دکتر مهدی حجت و دکتر محمد حسین حلیمی برای ارایه نظرات ارزشمند در اصلاح و تکمیل مقاله قدردانی می‌شود.

دانشیار گروه آموزشی شهرسازی، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران. Email: mmazizi@chamran.ut.ac.ir

مقدمه

این دانشکده هم اکنون صاحب اعتبار و سندیت خاصی شده است.

در حالی که رشته‌های هنر، معماری و شهرسازی در سایر کشورها شرایط خود را با تغییرات اقتصادی، اجتماعی و نیازهای کشور همسو کرده و از پویایی لازم برخوردار گردیده‌اند، ارزیابی و تحقیق جامعی از وضعیت این رشته‌ها در دانشگاه تهران، به عنوان قدیمی‌ترین رشته‌ها در ایران صورت نگرفته است.

در این مقاله، از طریق مراجعه به اسناد تاریخی موجود، تاریخچه و سیر تحول شکل‌گیری رشته‌ها و گروه‌های آموزشی آن تجزیه و تحلیل شده و سپس نحوه ترکیب و نظام آموزشی گروه‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد. پس از تحلیل تاریخی و ارزیابی وضع موجود و نیز چشم‌انداز آینده رشته‌های هنر، معماری و شهرسازی در دانشکده هنرهای زیبا، پیشنهادات لازم در جهت ارتقاء کمی و کیفی رشته‌ها ارائه می‌شود.

به موازات تحولات در شرایط و ابعاد مختلف توسعه کشور در دهه‌های اخیر، بخش آموزش عالی نیز تحت تاثیر این تحولات قرار گرفته است. بسیاری از رشته‌های دانشگاهی با دگرگونی‌های عمده‌ای مواجه شده و شاخه‌های متعددی از دانش‌ها نیز به وجود آمده است. توسعه مراکز آموزش عالی موجود و تاسیس مراکز جدید نیز برای پاسخگویی به نیازها و تقاضاهای جامعه اتفاق افتاده است. در این میان، رشته‌های هنر، معماری و شهرسازی دانشگاه تهران طی نیم‌قرن گذشته تاثیر عمیقی در فضا و شکل هنر مملکت برجای گذاشته و اکثریت معماران، شهرسازان و هنرمندان ایران را در خود پرورش داده است. تاثیر دانشکده هنرهای زیبا آن چنان بوده و هست که بر سیاست‌های آموزش سایر مدارس هنر و معماری کشور که بعداً به وجود آمدند نفوذ عمیق داشته، بر فعالیت‌های آنها، مستقیم یا غیرمستقیم، سایه افکنده و تجربیات آموزشی

تاریخچه دانشکده هنرهای زیبا^۱

معماری هنرسرای عالی و شعبه نقاشی و مجسمه‌سازی هنرستان عالی هنرهای زیبای نوین (که تابع آن وزارتخانه بود)، منحل و دانشجویان این شعبه به هنرکده هنرهای زیبا، واقع در مدرسه مروی منتقل گردیدند. با پذیرفتن عده‌ای داوطلب جدید در قالب اساسنامه و آئین‌نامه‌های آموزشی، فعالیت هنرکده آغاز گردید.

در سال ۱۳۲۱ ه. ش، با تلاش مسئولین ذیربط، این هنرکده با عنوان «هنرهای زیبا» ضمیمه دانشگاه تهران گردید. مکان هنرکده ابتدا به زیر زمین دانشکده فنی منتقل و سپس در سال ۱۳۲۸ به عنوان دانشکده‌ای مستقل به نام «دانشکده هنرهای زیبا» تغییر نام پیدا کرد. در شهریورماه ۱۳۲۸ یکی از کارگاه‌های دانشکده هنرهای زیبا واقع در جنوب شرقی دانشگاه مورد استفاده قرار گرفت و یکسال بعد بنای دیگری نظیر آن آماده و به شعبه معماری اختصاص یافت. در بنای قبلی قسمت اداری و کتابخانه و کلاس‌های درس و شعبه نقاشی مستقر گردیدند.

با تصمیم وزارت فرهنگ برای تاسیس هنرکده هنرهای زیبا، در سال ۱۳۱۹ - آندره گدار^۲ برای برنامه‌ریزی،

در مهرماه ۱۳۱۹ بنا به توصیه و حمایت اسماعیل مرآت وزیر فرهنگ وقت، دانشکده هنرهای زیبا به جای مدرسه کمال‌الملک و مدرسه عالی صنایع پیشه و هنر و در ابتدا با نام «هنرکده» تاسیس گردید. قبل از دانشکده هنرهای زیبا، تنها مدرسه قابل اعتنا و مؤثر هنری در دوران معاصر، مدرسه کمال‌الملک بود که با کناره‌گیری و درگذشت این استاد نقاشی، به مدرسه صنایع پیشه و هنر تبدیل شد. شاگردان کمال‌الملک اداره و تدریس در آن را به عهده گرفتند و محل آن به مقابل باشگاه افسران سابق منتقل گردید. در همین زمان، با همکاری پروفیسور رولان فرانسوی و مهندس محسن فروغی مدرسه‌ای با دوره‌ای دو ساله به نام مدرسه عالی معماری و به مدیریت استاد ابوالحسن صدیقی تاسیس گردید. ایجاد «هنرکده» سبب شد تا این مدرسه نوپا که چند ماهی از تاسیس آن نگذشته بود با مدرسه صنایع پیشه و هنر در هم ادغام شوند.

دانشکده هنرهای زیبا با نام «هنرکده» ابتدا با سه شعبه معماری، نقاشی و مجسمه‌سازی در محل «مدرسه خان مروی» (محل مدرسه مروی فعلی واقع در خیابان ناصرخسرو، کوچه مروی) تاسیس شد. با موافقت وزارت پیشه و هنر، دروس شعبه

تصویری کلی از وضعیت مشخصات گروه های آموزشی و رشته های موجود ارایه می گردد.

پس از انقلاب اسلامی، دانشکده هنرهای زیبا با پنج گروه آموزشی فعالیت آموزشی خود را ادامه داد. در روند توسعه آموزشی-پژوهشی، برنامه های دوره دکتری معماری و شهرسازی و نیز دوره های کارشناسی ارشد و دکتری پژوهش هنر تدوین گردیدند. پس از تصویب شورای عالی گسترش دانشگاهها و از نیمسال دوم سال تحصیلی ۷۱-۱۳۷۰، پذیرش دانشجویان دکتری شهرسازی، دکتری معماری، کارشناسی ارشد ناپیوسته رشته های طراحی صنعتی، پژوهش هنر و تصویرسازی آغاز و رشته های موسیقی و مجسمه سازی نیز نوگشایی و شروع به فعالیت نمودند. رشته مجسمه سازی پس از انتقال هنرکده به دانشگاه به دلیل کناره گیری آقای صدیقی تا زمان تصدی مهندس سیحون به ریاست دانشکده تعطیل شد. در زمان مهندس سیحون گروه های جدید آموزشی شهرسازی، هنرهای نمایشی و موسیقی به دانشکده اضافه گردید. در زمان دکتر مهدی کوثر گروه هنرهای تجسمی خود به پنج رشته نقاشی، مجسمه سازی، گرافیک، عکاسی و طراحی صنعتی تقسیم شد.

دانشکده هنرهای زیبا در حال حاضر دارای ۴ شش گروه آموزشی با دوره ها و رشته هایی به شرح جدول (۱) و دارای ۱۰۳ عضو هیئت علمی در مرتبه های استادی، دانشیاری، استادیاری و مربی به شرح جدول (۲) می باشد.

راه اندازی و سپس سرپرست هنرکده منصوب شد. وی از مهندسان شاغل در شرکت سنتاب، که اجرای ساختمان های دانشگاه تهران را به عهده داشتند، برای تدریس دعوت نمود. مهندسان معمار دعوت شده عبارت بودند از: ماکسیم سیرو (فرانسوی) - رولان، دوبرول (فرانسوی)، موزر (سوئیس)، محسن فروغی و خاجیک بابلیان (ایرانی). تعدادی از معلمان مدرسه صنایع پیشه و هنر نیز دعوت شدند تا تدریس نقاشی، موسیقی و مجسمه سازی را به عهده بگیرند. به دنبال استعفای آندره گدار و بازگشت به پاریس، محسن فروغی به عنوان اولین رئیس ایرانی دانشکده هنرهای زیبا انتخاب و تا سال ۱۳۴۱ در این سمت باقی ماند.^۲

مشخصات کلی گروه های آموزشی دانشکده

دانشکده هنرهای زیبا که با سه رشته معماری، نقاشی و مجسمه سازی آغاز به کار نمود، با گذشت بیش از شصت سال از تاسیس آن، اینک جایگاه ویژه ای در دانشگاه تهران و نیز مجموعه آموزش عالی کشور در رشته های هنر، معماری و شهرسازی دارد. یکی از قدیمی ترین و بزرگترین دانشکده های دانشگاه تهران می باشد که خود دانشگاه مادر در کشور است. مجموعه رشته های آن که در آغاز تاسیس سه رشته را شامل می گردید، اینک به بیش از بیست رشته و در تمام مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری رسیده است. در ادامه،

جدول (۱): رشته های موجود در دانشکده برحسب مقاطع تحصیلی - سال ۱۳۸۲

گروه	کارشناسی	کارشناسی ارشد	دکتری
معماری	معماری	معماری معماری منظر مرمت مدیریت ساخت	معماری
شهرسازی	شهرسازی	شهرسازی (برنامه ریزی شهری) شهرسازی (طراحی شهری)	شهرسازی
هنرهای تجسمی	نقاشی ارتباط تصویری (گرافیک) عکاسی مجسمه سازی	تصویرسازی پژوهش هنر	پژوهش هنر
هنرهای نمایشی	کارگردانی بازیگری طراحی صحنه ادبیات نمایشی نمایش عروسکی	ادبیات نمایشی	
موسیقی	موسیقی (ایرانی) موسیقی (کلاسیک)		
طراحی صنعتی	طراحی صنعتی	طراحی صنعتی	

جدول شماره (۲): تعداد و مرتبه علمی اعضاء هیئت علمی گروه‌های آموزشی-سال ۱۳۸۲

گروه آموزشی	استاد	دانشیار	استادیار	مربی	جمع
گروه معماری	۲	۶	۱۶	۱۶	۴۰
گروه شهرسازی	۴	۵	۴	—	۱۳
گروه هنرهای تجسمی	۱	۲	۶	۹	۱۸
گروه هنرهای نمایشی	۱	۲	۳	۷	۱۳
گروه موسیقی	—	۲	۲	۷	۱۱
گروه طراحی صنعتی	—	—	۳	۵	۸
جمع	۸	۱۷	۳۳	۴۰	۱۰۳

گروه آموزشی معماری

فرایند و شیوه‌های طراحی، موضوع تحقیقات و بحث و جدل‌های دامنه‌داری در چهار دهه اخیر بوده است. حاصل این جریان، نظریه‌ها و تجربیات متنوعی است که می‌تواند در کارگاه‌های طراحی مورد اشاره واقع گردد. معماری همواره نه تنها سرپناهی برای انسان بوجود آورده است، بلکه جایگاه بروز تمامی ارزش‌ها، اعتقادات، روحیات و عواطف انسان با تمامی پیچیدگی‌هایش بوده است. معماری در حقیقت تنها معرفت‌ها و تئوری‌های مربوط به موضوع بنا نمی‌باشد، بلکه معرفت و عمل در معماری به هم پیوسته هستند. طراحی معماری، تالیفی یکپارچه و وحدت یافته از عرصه‌های مختلفی است که از هم قابل تفکیک و تبیین نبوده و همه عوامل ذی نفوذ با پیوستگی و وحدت کامل در رشد و حرکت طرح مؤثرند.

برای جستجو در ارتباط علوم و هنرها با معماری و نیز درک بهتر این ارتباط، می‌توان طراحی معماری را از نظر نوعیت و کیفیت به عرصه‌های ارزش‌ها، آگاهی‌ها و ترکیب تقسیم کرد. ارزش‌ها در حقیقت مبنا و اصول کار طراحی را به دست می‌دهند و معیارها و ضوابط، تکیه‌گاه‌های حرکت را در اختیار معمار قرار می‌دهند. در عرصه آگاهی‌ها، حوزه معماری نیاز ترکیب و طراحی و پدید آوردن فضای زیست انسان در طبیعت است و دو موضوع «انسان» و «طبیعت» سرمنشاء همه این معارف و دانش‌ها هستند. شناخت مسایل و مختصات محیطی و اقلیمی معمار را در انطباق هرچه بیشتر طرح با محیط بیرونی و فراهم ساختن محیط مناسب برای انسان یاری می‌کند. در عرصه ترکیب، محدوده اصلی کار معمار خلاقیت و ابداع است. معمار در این حوزه براساس ارزش‌ها و معرفت‌ها و دانش خود سعی در خلق فضایی با کیفیت مطلوب برای زندگی انسان دارد. اگر علوم در زمینه دانش‌ها و معرفت‌های لازم برای کار معمار طرح می‌شوند، هنرها در عرصه ترکیب مؤثرند. به عبارتی، علوم در حقیقت مددکار، آگاهی‌دهنده و ایجاد کننده امکانات برای معمار

بنیان‌گذاران آموزش معماری در ایران، باستان‌شناسان فرانسوی و فارغ‌التحصیلان رشته معماری مدرسه عالی ملی هنرهای زیبای فرانسه بودند و آموزش دانشکده نیز براساس روش تدریس معماری در فرانسه پایه‌گذاری شد. در ابتدای تاسیس، سه دوره کار عملی مقدماتی، سیکل اول و سیکل دوم تدریس می‌شد. دروس نظری محدود به: هندسه فضایی، ترسیم فنی و پرسپکتیو، ایستایی، بتن و فولاد، نقشه‌برداری و برآورد، عناصر و جزئیات ساختمان، تاریخ هنر و زبان فرانسه می‌گردید. انتخاب دانشجوی معماری در دانشکده هنرهای زیبا از سال ۱۳۳۴ با آزمون ورودی اختصاصی صورت می‌گرفت و دانشجویان پس از گذراندن دوره مقدماتی وارد دوره‌های سیکل اول و سیکل دوم شده کارهای عملی معماری مدرن را تجربه می‌کردند. آموزش دانشکده در سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۵ تغییر مختصری کرد و سیکل اول و دوم ادغام گردیدند. در ساختار جدید رشته معماری که در سال‌های اخیر به صورت کارشناسی ارشد ناپیوسته اجرا گردید، آموزش معماری به تربیت کارشناسانی با کارآیی‌های عمومی حرفه‌ای اختصاص یافت. تقویت تخیل، تجسم فضایی و مهارت‌های بیانی و تقویت قدرت خلاقیت و اعتماد به نفس محورهای اصلی این دوره را تشکیل می‌دهند. این محورها در قالب سه درس کارگاهی درک و بیان محیط، هندسه کاربردی، و مصالح و ساخت، سازماندهی شده‌اند. تاثیر و تاثیر بین دروس و طرح‌ها و روابط زنده بین آنها لازمه و شاخصه اجرای موفق برنامه آموزش معماری است. طراحی امری خلاقه است و آموزش آن نیز که با شکوفایی استعداد خلاقه سروکار دارد، خود امری خلاقه است و در شیوه‌های ارتباط با دانشجو نیاز به کار مستمر خلاق از سوی مدرسان و برنامه‌ریزان دارد.

مساله‌ای است که این رشته نوین (شهرسازی و رشته‌های آن شامل برنامه‌ریزی شهری، طراحی شهری و منطقه‌ای، مدیریت شهری و ...) نیز خصلتی حساس می‌یابد. این رشته که در آغاز چون شاخه‌ای از معماری محسوب می‌گردید، در مواجهه با ابعاد گوناگون و پیچیده شهر و شهرنشینی با علوم و دانش‌های دیگر مانند، اقتصاد، جامعه‌شناسی، جغرافیا، مهندسی راه و ساختمان و ... در آمیخت و خصلتی میان رشته‌ای یافت.

هدف آموزش دوره شهرسازی، آموزش اصول، روش‌ها و فنون شهرسازی و تربیت نیروهای خلاق و متعهد کشور برای ساماندهی محیط زیست مصنوع انسانی از سطح روستا، شهر تا منطقه می‌باشد. شهرسازان علاوه بر تهیه طرح‌های شهری، روستایی و منطقه‌ای، وظیفه مدیریت طرح‌ها و اجرای برنامه‌ها را در سطوح مختلف در نظام عمرانی کشور به عهده خواهند گرفت. از سوی دیگر، هدف پژوهشی دوره شهرسازی عبارت است از: سامان دادن تحقیقات منطقه‌ای، شهری و روستایی، کشف نیازهای صالح و خواست‌های جامعه، و طراحی مدیریت اجرایی راه‌حل‌ها، ترسیم چگونگی فرایند رشد و تحول اجتماعی، اقتصادی و کالبدی با توجه به اصول و مبانی ارزشی و فرهنگی کشور، بهره‌گیری و کاربست صحیح، منطقی و متناسب این راه‌حل‌ها در شرایط کنونی و آینده کشور.

گروه آموزشی شهرسازی دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۴ بنا به پیشنهاد دانشکده هنرهای زیبا و تصویب در شورای دانشگاه تاسیس گردید. در سال ۱۳۴۷ دوره عالی شهرسازی نیز آغاز گردید. این دوره منحصراً با پذیرش فارغ‌التحصیلان معماری با گذراندن یک دوره تخصصی دو ساله و تهیه یک رساله به فارغ‌التحصیلان معادل دکتری شهرسازی اعطاء می‌نمود. دوره عالی شهرسازی به علت مسایل و مشکلات آموزشی، پس از یک دوره فارغ‌التحصیلی در سال تحصیلی ۵۱ - ۱۳۵۰ با تاسیس دوره کارشناسی ارشد ناپیوسته شهرسازی موقتاً تعطیل گردید.

هدف برنامه کارشناسی ارشد ناپیوسته شهرسازی پرورش تخصص‌های مختلف برای برنامه‌ریزی فضایی - کالبدی در مقیاس شهر و منطقه بود. در تجدیدنظر برنامه، دوره شهرسازی در سال ۵۰ - ۱۳۵۱ به سه شاخه برنامه‌ریزی شهری، طراحی شهری و برنامه‌ریزی منطقه‌ای گسترش داده شد. پس از انقلاب اسلامی، براساس اهداف انقلاب فرهنگی، برنامه آموزش شهرسازی در جلسه مورخ ۱۳۶۵/۹/۸ شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت فرهنگ و آموزش عالی، مورد تجدیدنظر قرار گرفت و با تغییراتی در مفاد دروس، گروه آموزشی شهرسازی براساس برنامه جدید در سال ۱۳۶۲ بازگشایی و هر ساله با پذیرش حدود ۳۰ دانشجو در رشته‌های طراحی شهری و برنامه‌ریزی شهری به کار خود ادامه داد.

رشته طراحی شهری این گروه، فارغ‌التحصیلان

هستند، حال آنکه هنرها زمینه‌ساز، سمت و سو یافتن و روح‌بخش بودن ذهن معمار و محصول کار او هستند. هنرها، نگاه و بینش کیفی خاصی را در خود دارند که زمینه اصلی کار معماری می‌باشد. در حالی‌که، علوم مختلف در موضوعات مشخص به تحقیق می‌پردازند و نتایج حاصله را در اختیار معمار قرار می‌دهند.

گروه معماری دانشکده هنرهای زیبا با بیش از ۶۰ سال سابقه آموزشی، اولین گروه معماری در ایران است و در حال حاضر نیز با ۴۰ نفر عضو هیئت علمی تمام وقت، بزرگترین کادر هیئت علمی در دانشکده‌های معماری و شهرسازی ایران می‌باشد.

درخصوص مقاطع تحصیلی و گرایش‌های رشته معماری لازم به ذکر است که تا سال ۱۳۷۷ پذیرش دانشجوی به صورت کارشناسی ارشد پیوسته بود. از سال ۱۳۷۸ و در قالب برنامه متمرکز کشوری، دوره کارشناسی ارشد پیوسته به دوره کارشناسی تغییر پیدا کرد. برنامه دوره دکتری معماری در ایران نیز برای اولین بار در سال ۱۳۶۹ توسط گروه معماری دانشکده هنرهای زیبا تهیه و به تصویب شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت علوم رسید. از سال ۱۳۷۱ نیز پذیرش اولین دوره دکتری آغاز گردید.

با توجه به نیازهای جامعه به تخصص‌های روز، گروه معماری این دانشکده برای اولین بار از سال ۱۳۷۹ اقدام به پیشنهاد تاسیس رشته‌های تخصصی معماری نمود. بر این اساس طرح درس چهار رشته معماری، طراحی منظر، مرمت ابنیه و مدیریت پروژه و ساخت در مقطع کارشناسی ارشد ناپیوسته تهیه و به تصویب وزارت علوم رسید. از سال ۱۳۸۱ نیز اقدام به پذیرش دانشجو گردید. ضمناً در قالب تداوم ایده فوق، دو رشته جدید انرژی و معماری، و تکنولوژی معماری نیز تعریف و به تصویب رسیده است.

گروه آموزشی شهرسازی

شهرسازی به عنوان شاخه مستقلی از علوم و دانش‌های نوین بشری در دو سده اخیر تولد و تکامل یافته است. این تولد به دنبال نیاز جوامع صنعتی در حال رشد سریع در قرن نوزدهم به تغییر ساختار فضاهای زیستی و هدایت، سازماندهی و کنترل این فضاها اتفاق افتاد. از این تاریخ به بعد ضرورت چنین علمی بیش از پیش حس شده، تا آنجا که امروزه این ضرورت تنها مربوط به جوامع صنعتی نبوده بلکه در کلیه جوامع نیز از قطعیت و ضرورت بیشتری برخوردار است.

با توجه به تحولات جمعیتی در قرن اخیر و جابجایی‌های آن در سطوح منطقه‌ای، مساله ساماندهی و سازماندهی فضای زیستی در گستره‌های جغرافیایی و محیط طبیعی به صورت پیچیده و حساسی درآمده است. در برخورد به چنین

کارشناسی و کارشناسی ارشد ناپیوسته شهرسازی، دگرگونی کیفی در آموزش دوره‌های بالاتر را نیز فراهم کرده و مایه توسعه فنی و علمی شهرسازی در جهت همگامی با رشد و تحول کشور خواهد گردید.

در خصوص نقش و توانایی فارغ‌التحصیلان باید گفت که شهرسازی در عین تخصصی بودن، خود دارای خصلت میان رشته‌ای بوده و با زمینه‌های گوناگون در سطوح روستایی، شهری و منطقه‌ای از یکسو و سطوح فنی و انسانی و محیط از دیگر سو در ارتباط می‌باشد. کارشناسان شهرسازی می‌توانند در فرآیند ساماندهی و بهبود فضاهای زیستی و محیط‌های زندگی نقش مؤثر داشته و با رایه طرح‌های مختلف در مدیریت، طرح و برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌ها و برنامه این فضاها مشارکت نمایند. این کارشناسان به نسبت آموخته‌های خود قادر به تهیه طرح و برنامه در سطوح متفاوت برنامه‌ریزی کالبدی - فضایی و تهیه طرح‌های شهری و روستایی بوده و عملاً در فرآیند شهرسازی نقش و وظیفه حرفه‌ای خویش را ایفا خواهند نمود.

گروه آموزشی هنرهای تجسمی

هنرهای تجسمی از جمله اصلی‌ترین وسیله ارتباطی بین افراد و جوامع مختلف هستند زبان هنر زبانی است که حد و مرزی نمی‌شناسد و با بیانی جذاب، افکار، اندیشه‌ها و ارزش‌های یک ملت را برای نسل آینده به خارج از مرزهای جغرافیایی منتقل می‌کند. امروزه تصویر مانند کلام، حامل پیام و معانی خاصی است که مخاطب عام و خاص دارد. از آنجا که ارتباط از طریق تصویر در دنیا وسعت فراوان یافته است و این مهم، در ابعاد وسیعی در امر پیام‌رسانی و ایجاد سلیقه هنری و انتقال مفاهیم بسیار مؤثر واقع می‌شود، لازمست با ایجاد دوره‌ای که بتواند افرادی لایق و کارآمد را پرورش دهد از سطح کیفی خوبی برخوردار باشند و در ارسال و انتقال مفاهیم فرهنگی و تمدنی کشور به جهان و مقابله با نفوذ بی‌رویه فرهنگ بیگانه فعالیت مستمر داشته باشد. رشته‌های نقاشی و مجسمه‌سازی این گروه در زمره اولین رشته‌های دانشکده هنرهای زیبا هستند که بیش از شصت سال پیش همراه با رشته معماری تاسیس گردیدند. سرپرستان اولیه این دو رشته به ترتیب مرحوم استاد علی‌محمد حیدریان و مرحوم استاد ابوالحسن صدیقی از شاگردان برجسته استاد کمال‌الملک بودند که هر یک تأثیر غیرقابل انکاری در جایگاه این رشته‌ها داشتند. نسل‌های اول تا چهارم نقاشان معاصر شاگردان مرحوم حیدریان بودند که خود بعداً اساتید دانشکده هنرهای زیبا شده و بانی تحولات عیدیه‌ای گردیدند. نقاشی از بروز احساس و جوشش درون هنرمند و

کارشناسی و کارشناسی ارشد معماری و کارشناسی شهرسازی را پذیرفته که با گذراندن دروس پایه و دروس تخصصی با درجه کارشناسی ارشد شهرسازی (طراحی شهری) فارغ‌التحصیل می‌شوند. اما رشته برنامه‌ریزی شهری تاکنون از بین فارغ‌التحصیلان رشته‌های شهرسازی، عمران، معماری، جغرافیا، نقشه‌برداری، علوم اجتماعی و اقتصاد دانشجو پذیرفته است. دانشجویان این رشته با گذراندن دروس پایه و دروس تخصصی با درجه کارشناسی ارشد شهرسازی (برنامه‌ریزی شهری) فارغ‌التحصیل می‌شوند. با تاسیس کارشناسی شهرسازی و فارغ‌التحصیلی این دوره، انتظار می‌رود طیف مدارک تحصیلی برای پذیرش در کارشناسی ارشد شهرسازی (برنامه‌ریزی شهری) در سال‌های آتی تجدید نظر و محدودتر شود. مراحل تاسیس رشته‌های کارشناسی ارشد مدیریت شهری، برنامه‌ریزی منطقه‌ای و برنامه‌ریزی مسکن نیز در شرف اتمام است.

پیشنهاد دوره دکتری شهرسازی از طرف گروه شهرسازی دانشکده هنرهای زیبا در سال ۱۳۶۸ به شورای عالی انقلاب فرهنگی ارایه مورد تصویب قرار گرفت و اولین دوره دکتری شهرسازی کشور در سال تحصیلی ۷۱ - ۱۳۷۰ آغاز شد. دانشجویان دوره دکتری شهرسازی پس از گذراندن ۲۴ واحد درس و موفقیت در امتحان جامع، طبق آیین‌نامه و مقررات دانشگاه تهران و موافقت شورای تحصیلات تکمیلی گروه آموزشی و تهیه رساله و دفاع از آن درجه دکتری را کسب می‌نمایند.

پیرو نیازهای موجود در جامعه به کارشناسان شهرسازی برای کار حرفه‌ای در نهادهای دولتی، عمومی و خصوصی (به ویژه شهرداری‌ها) که ناشی از کمبود شدید شهرساز در کشور بود، در سال ۱۳۷۸ تاسیس دوره کارشناسی شهرسازی به تصویب شورای عالی برنامه‌ریزی رسید و دانشگاه تهران (دانشکده هنرهای زیبا) اقدام به پذیرش ۳۰ دانشجو در سال اول نمود. در خصوص ضرورت و اهمیت دوره کارشناسی شهرسازی، باید گفت که طی دهه‌های ۱۳۲۵ - ۱۳۷۵ تعداد شهرهای ایران سه برابر شده و پیش‌بینی می‌شود که در سال ۱۴۰۰ شمسی این تعداد باز هم دو برابر گردد. با توجه به این واقعیات، حرفه شهرسازی در مقطع کارشناسی به عنوان تخصصی میان رشته‌ای با تمام زمینه‌های علمی پایه‌ای و اصلی شهرسازی در تحصیلات دانشگاهی معنا می‌یابد. در این مقطع تقویت مهارت‌های فنی و کاربردی و همچنین آماده‌سازی زمینه برای دوره تخصصی کارشناسی ارشد شهرسازی و تربیت نیروی انسانی کارا در سطوح مختلف اجرایی کشور به ویژه در شهرداری‌ها، در دستور کار قرار می‌گیرد. بدین ترتیب تاسیس این دوره ضمن تحول و ارتقای کیفی آموزش تخصصی دوره‌های

خدمت مسایل آموزشی، علمی، فرهنگی، تبلیغی، اقتصادی، خبری و ... قرار دارد. این تخصص از طریق کتاب، پوستر، جریده، نشریه و مانند آن به امر تعلیم و تربیت و فهم آسانتر مسایل کمک کرده و از این طریق در بالا بردن سطح دانش و هنر و در نتیجه فرهنگ جامعه مؤثر واقع می‌شود. فارغ‌التحصیلان تصویرسازی می‌توانند در کارهای حرفه‌ای، آموزشی و مشاوره در بخش خصوصی و دولتی به صورت فردی یا گروهی فعالیت نمایند.

رشته عکاسی این گروه قدیمی‌ترین رشته عکاسی در کشور است. هدف این رشته آماده نمودن افراد متخصص و هنرمندی است که قادر باشند نیازهای روز افزون جامعه در زمینه‌های مختلف مربوط به عکاسی را پاسخگو باشند. فارغ‌التحصیلان این دوره توانایی‌های متنوعی خواهند داشت، از آن جمله، خدمت در نهادهایی که عهده‌دار تبلیغ و ارتباط جمعی هستند (خبرگزاری، صدا و سیما، نشریات، و ...) به عنوان خبرنگار عکاس؛ کار در زمینه‌های تخصصی عکاسی در کنار کارشناسان علوم و فنون و هنرها (کاربرد عکاسی در رشته‌های مختلف تخصصی)؛ کار در زمینه عکاسی هنری و استفاده از هنر عکاسی به عنوان وسیله ایجاد ارتباط با مخاطب (عکس به عنوان تابلو)؛ کار آموزشی و تحقیقاتی در زمینه عکاسی.

رشته عکاسی ابتدا جزء دروس علمی - تئوری رشته گرافیک بوده که توسط دکتر هادی شفاثیه تدریس می‌گردید. سپس با تلاش ایشان و همکاران به صورت رشته مستقل درآمد. به‌طور خلاصه، ضرورت و اهمیت رشته‌های تجسمی را می‌توان در موارد ذیل خلاصه کرد: کمبود زیاد هنرمندان متخصص و مسلط به فرهنگ و هنر اسلامی و بومی، ضرورت ارتقای سطح هنری جامعه در رشته‌های مذکور در برخورد با ابعاد جهانی هنرهای متنوع، و ضرورت تهیه آثار و فرم‌های نمادین برای موزه‌ها، بناها و فضاهای شهری.

گروه آموزشی هنرهای تجسمی دانشکده هنرهای زیبا در حال حاضر دارای چهار رشته ارتباط تصویری، نقاشی، عکاسی و مجسمه‌سازی در مقطع کارشناسی دو رشته تصویرسازی و پژوهش هنر در مقطع کارشناسی ارشد و یک رشته پژوهش هنر در مقطع دکتری می‌باشد.

از خدمات فارغ‌التحصیلان دوره کارشناسی رشته مجسمه‌سازی می‌توان در روابط عمومی مؤسسات، شهرداری‌ها و هنرستان‌های هنری و امور تربیتی آموزش و پرورش و همکاری با ارشاد اسلامی اشاره کرد. همکاری با مهندسی ریخته‌گری دقیق (موم تبخیر شده)، طراحی نشانه‌ها و ضرب سکه‌ها از جمله فعالیت‌های مجسمه‌سازان است.

ابلاغ پیام تا بیان موضوعات تعیین شده را دربر می‌گیرد. هنرمند نقاش آنچه را که می‌خواهد توسط اشکال و رنگ‌ها روی سطوح کوچک و بزرگ با ابزار و شیوه‌های گوناگون، نقاشی نموده و توسط آن با دیگران ارتباط برقرار می‌کند. روح و نفس هنرمند نقاش مستقیماً روی آثار هنری وی تاثیر گذاشته و آن را در جهت و در خدمت اهداف ارزش‌های جامعه قرار می‌دهد.

مجسمه‌سازی نیز یکی از هنرهایی است که سابقه طولانی در گذر زمان دارد. آنجا که اثری از هیچیک از وسایل نوشتن و ضبط آثار و تجربه‌های انسانی نبود، مجسمه‌سازی حضوری فعال داشته‌است. هم‌اکنون آنچه که از گذشته انسان به عنوان تجربه، سند تاریخی، یادداشت و تحقیق باقی مانده است به‌صورتی در ارتباط با هنر مجسمه‌سازی است. با توجه به این نکته که هنر مجسمه‌سازی در ارتباط مستقیم با فرهنگ جامعه می‌باشد و می‌تواند حرکت‌های مقدس و فرهنگی جامعه را به نحوی ثبت و به نسل آینده انتقال دهد، پرورش هنرمندان در این رشته می‌تواند در ابعاد گوناگونی مطرح شود از جمله: بزرگداشت خاطره مشاهیر و عرفای جامعه، ثبت خاطره جنگ تحمیلی در شهرهای جنگ‌زده، گفتگوهای تمدنی با فرهنگ‌های جهانی و ...

رشته مجسمه‌سازی نیز دارای تاریخچه‌ای مشابه معماری و نقاشی در دانشکده هنرهای زیبا است. سرپرست اولیه این رشته مرحوم استاد ابوالحسن صدیقی از شاگردان برجسته استاد کمال‌الملک بودند.

رشته گرافیک (ارتباط تصویری) این گروه توسط استاد مرتضی ممیز تاسیس گردید. از این رشته ۸۰ درصد نسل طراحان امروز ایران که نزدیک به ده درصد آنها عضو مجامع بین‌المللی و دارای اشتغال جهانی هستند پا به میدان فعالیت گذاشتند. برنامه‌ریزی آموزشی این رشته همیشه با توجه به تغییرات و نیازهای خارجی و داخلی کشور انجام شده و تلاش‌های آموزشی آن الگوی برنامه‌ریزی رشته‌های گرافیک سایر مدارس عالی کشور گردید. اکثر اساتید گرافیک مدارس ایران فارغ‌التحصیل این رشته در دانشکده هنرهای زیبا هستند. فارغ‌التحصیلان گرافیک توانایی‌های متنوعی را دارا می‌شوند که شامل: راه‌اندازی و اداره کارگاه‌های واحدهای هنری - فرهنگی در نهادهای مختلف، قدرت تصمیم‌گیری و اظهار نظر در امور هنری، تهیه انواع طرح برای معرفی و آرایه یک موضوع مانند علامت و اعلانات، اجرای انواع صفحه‌آرایی‌ها، طراحی نمایشگاه‌های هنری برای معرفی آثار، آموزش هنر در مدارس ابتدایی و متوسطه، طراحی و تصویرگذاری روی متون ادبی، داستان، سیاسی و اجتماعی و مانند آن می‌شود.

در خصوص دوره کارشناسی ارشد تصویرسازی نیز می‌توان گفت که هنر تصویرسازی با امکانات مختلف خود در

عملی فعالیت داشته باشد. قسمت نظری، به تربیت نویسندگی درام و منتقد تئاتری می‌پردازد و قسمت عملی به تربیت هنرپیشه، کارگردان و مدیر تئاتر توجه داشت. در آرایه تعلیمات تا حدی نیز سعی گردیده بود به ادبیات و فرهنگ ایران باستان توجه شود، فراگرفتن زبان‌های خارجی (انگلیسی و فرانسه) به‌منظور آشنایی با آثار و ادبیات غرب ضروری بود.

هدف دوره کارشناسی هنرهای نمایشی تامین افراد متخصص و هنرمند در این رشته است، به‌نحوی که قادر باشند نیازهای روز افزون جامعه در زمینه‌های مختلف مربوط به نمایش را پاسخگو باشند. فارغ‌التحصیلان این رشته به عنوان گروهی از هنرمندان جامعه وظیفه انتقال مفاهیم فرهنگی را با بیانی هنری عهده‌دار می‌باشند. این فارغ‌التحصیلان توانایی انجام کلیه امور مربوط به نمایش، اعم از نویسندگی، کارگردانی، بازیگری، دکورسازی و صحنه‌آرایی و نمایش عروسکی را متناسب با گرایش خود دارا بوده و می‌توانند جذب مراکز هنری و آموزشی گردند.

دوره کارشناسی ارشد ادبیات نمایشی نیز از جمله دوره‌های آموزشی دانشکده هنرهای زیبا است، که هدف آن ارتقای سطح علمی و بینش هنری و توان نویسندگی شرکت‌کنندگان در زمینه ادبیات نمایشی، رشد خلاقیت‌های ادبی و هنری متناسب با فرهنگ و ارزش‌های اسلامی است. با توجه به اینکه بنیاد و اساس فعالیت‌های نمایشی از جمله نمایش (تئاتر) و سینما را متون نمایشی (نمایشنامه و فیلمنامه) تشکیل می‌دهند و ضرورت وجود نیروهای متخصص و کارآمد در این زمینه‌ها کاملاً احساس می‌شود لذا انتظار بر این است با اجرای این دوره حوزه‌های آموزشی و همچنین محافل حرفه‌ای تقویت شوند. فارغ‌التحصیلان رشته کارشناسی ارشد ادبیات نمایشی علاوه بر حضور مؤثر در بازار کار خصوصی و صنایع فیلمسازی و صحنه‌های نمایشی می‌توانند در فعالیت‌های حرفه‌ای، آموزشی و مشاوره در بخش‌های مختلف دولتی نیز شرکت نمایند.

این گروه در زمان تصدی مهندس سیحون به عنوان رئیس دانشکده و به سرپرستی دکتر نامدار تاسیس شد و از گروه‌های بسیار مهم دانشکده گردید. اکثر هنرمندان و اساتید مهم هنرهای نمایشی معاصر ایران در این گروه تدریس و به ترتیب مشهورترین هنرمندان تئاتر و سینمای کشور پرداختند. در حال حاضر گروه هنرهای نمایشی دارای پنج رشته در مقطع کارشناسی شامل کارگردانی، بازیگری، طراحی صحنه، نمایش عروسکی و ادبیات نمایشی و نیز یک رشته ادبیات نمایشی در مقطع کارشناسی ارشد می‌باشد.

نمایش نوعی بیان هنری است که موضوع خود را از طریق انسان بلاواسطه برای انسان عرضه می‌نماید. نمایش بر پایه دو نوع بیان، «گفتار و رفتار» متکی است که برحسب شدت حضور هریک از این دو، انواع مختلف نمایش شکل می‌گیرد. گرایش به گفتار نمایش‌هایی از قبیل نقالی، پرده‌داری و ... و گرایش به رفتار نمایش‌هایی را از قبیل نمایش ایماپی (پانتومیم) و ... به‌وجود می‌آورد. نوع کیفیت ارتباط این رشته با سایر رشته‌های هنری چنان است که می‌تواند از بسیاری از آنها به صورت کمکی سود جوید. کاربرد کمکی این هنرها تنها هنگامی مجاز است که در جهت تعالی و رساتر کردن بیان نمایشی به‌کار گرفته شود. اهم هنرهایی که در این رشته به‌کار گرفته می‌شوند عبارتند از: ادبیات، موسیقی، هنرهای تجسمی و معماری.

در سال ۱۳۳۵ ه.ش برای نخستین بار دانشکده ادبیات دانشگاه تهران از یک استاد و کارگردان آمریکایی به نام «فرانک دیویدسون» برای تدریس نمایش دعوت کرد. در این کلاس غیر از دانشجویان دانشگاه، اشخاص علاقمند متفرقه هم می‌توانستند پس از یک آزمون مقدماتی، شرکت نمایند. درس مورد نظر شامل بازیگری، کارگردانی، سبک‌های نمایش، آرایش چهره، صحنه‌آرایی و لباس، نمایشنامه‌نویسی و انتقاد نمایش بودند. از سوی دانشکده ادبیات به قبول شدگان در امتحانات پایانی، گواهینامه‌ای به امضای رئیس دانشکده و استاد مربوطه «دیویدسون» آرایه می‌شد.

در سال ۱۳۳۶ ه.ش، پروفیسور جرج کوئین بی، استاد «دانشگاه مین»، از سوی موسسه «فولبرایت» برای تدریس در یک سال تحصیلی به ایران دعوت شد. رشته نمایش همراه با رشته موسیقی در سی‌ام آذرماه ۱۳۴۵ به‌طور رسمی به دانشکده هنرهای زیبا پیوست و بدین ترتیب تمام فعالیت‌های نمایشی در این دانشکده متمرکز شد.

برنامه‌های رشته‌های نمایشی در سال ۱۳۴۴ در شورای دانشکده تصویب و در سال ۱۳۴۵ مورد تایید نهایی قرار گرفت. از سال ۱۳۴۴ از میان داوطلبان شرکت در امتحانات ورودی، که اغلب از دیپلمه‌های هنرستان هنرپیشگی، ادبی، ریاضی، طبیعی و از اقشار مختلف بودند، گزینش و انتخاب شدند.

گروه تئاتر فعالیت آموزشی خود را در سال تحصیلی ۱۳۴۴-۴۵ با پذیرش ۲۷ دانشجو در گرایش‌های مختلف برای دوره لیسانس تئاتر (و سینما و تلویزیون) آغاز کرد. هدف از تاسیس این گروه بیشتر تربیت هنرمندان تئاتر بوده که به نوعی بتوانند وظایف کارگردانی و نمایشنامه‌نویسی را آموزش ببینند. چارچوب تعلیماتی هنرهای تئاتری به شیوه‌ای تنظیم شده بود که طی دوره چهار ساله در دو نوع آموزش نظری و

بنابراین ضروریست در جهت یافتن موسیقی واقعی و سالم سازی محیط آن و نیز تشویق و ترغیب صورت دوم، نقطه «نوری» را در مقابل «ظلمت» استوار و اقداماتی را مبذول داشت. انتظار این است با حضور رشته «موسیقی» در نظام آموزش عالی کشور و خط و مشی و برنامه آموزش دانشگاه، به صورت مرجعی عالم و آگاه و برخوردار از تعهد، بعد دانشگاهی و علمی موسیقی تقویت گردیده، فکر و تامل و نقد و بررسی و ارایه نمونه های شایسته، رشد و تعالی مطلوب و هدایت آنرا به دنبال داشته باشد.

رشته موسیقی دانشکده هنرهای زیبا در مهرماه سال ۱۳۴۴ به سرپرستی دکتر برکشلی استاد دانشگاه تهران و استاد برجسته اتریشی کریستین داوید تاسیس گردید. تا قبل از ساختن ساختمان فعلی هنرهای تجسمی، کلاس های موسیقی در ساختمان مرکزی و سالن آمفی تئاتر دانشکده تشکیل می گردید. در نیمه سال ۱۳۴۵، ساختمان فعلی هنرهای تجسمی آماده و گروه موسیقی به آن انتقال یافت. طبقه اول برای دفتر گروه و اتاق استادان در نظر گرفته شد و طبقات دوم و سوم با داشتن یک پیانوی خوب و آکوستیک شده برای درس های خاص موسیقی اختصاص یافت. کلاس های بزرگتر نیز در ساختمان کتابخانه و همچنین ساختمان مرکزی تشکیل می گردیدند.

پس از انقلاب اسلامی، گروه موسیقی با درس همانند قبل از انقلاب تا یکسال ادامه یافت و در سال ۱۳۵۹، همزمان با انقلاب فرهنگی تعطیل گردید. این تعطیلی تا سال ۱۳۶۷ ادامه یافت که با تجدیدنظر دروس در این سال در ساختمان جدید طبقه سوم کتابخانه به صورت مشترک با گروه هنرهای نمایشی شروع به کار نمود و از مهر ماه ۱۳۷۴ در طبقه اول ساختمان کتابخانه به فعالیت خود ادامه داد.

هدف دوره کارشناسی موسیقی تربیت موسیقی دانانی با کارایی نظری و عملی است. این دوره تلاش نموده با ارایه نظری و عملی موسیقی مطلوب و انسان ساز در جهت استقلال و رشد فرهنگی گام بردارد. فارغ التحصیلان دوره کارشناسی موسیقی دارای توانمندی های متنوعی خواهند بود. این فارغ التحصیلان با کسب دانش عمومی و نظری در خصوص موسیقی سنتی و کلاسیک قادر خواهند بود با انجام تحقیقات و مطالعات نمونه در طول دوره آموزشی خود، در چارچوب مراکز و واحدهای دولتی و یا به صورت خصوصی در زمینه تحقیقات موسیقی به فعالیت بپردازند. همچنین نسبت به آموزش، تدوین، تنظیم، اجرا و یا هدایت اجرای قطعات به صورت مستقل و یا هماهنگ با دیگر فعالیت های هنری، فرهنگی و تبلیغی و رفع نیازمندی های آنان اقدام نمایند.

شاید بتوان گفت «موسیقی» قبل از تکلم به وجود آمده باشد. آنچنان که فرزند همخون با مادر، نخست به صدای تپش و ضربان قلب مادر مآءنوس می شود، به آن آرام می گیرد و سپس در عالم خاک و پس از چندی لب به سخن می گشاید. حرکت و تغییر، لازمه هستی موجودات و نشانگر سیر و تدوام «هستی» در صورت های گوناگون آنست. این حرکت در محیطی مساعد همواره با تولید «صوت» همراه است. به سخن دیگر، «صوت» خود همراه «هستی» است. گوش و دل انسان - گذشته از صداهایی که از درک آن محروم است - همواره به صدای طبیعت، صدای آب و پرنده، ... صدای این حادثه و آن اتفاق، صدای خود، ... و ترکیب و مجموعه ای از این دست آشنا و مانوس بوده و هست. یقیناً یکی از راه های دریافت آواز خود - از محیط اطراف - و یا تطبیق و رابطه او با خارج - از راه قدرت شنوایی و دریافت و ادراک اصوات است. این نعمت بزرگ در کنار دو نعمت دیگر - «چشم» و «دل» راه را از چاه ... سخن حق را از ناحق، ملموس و آویزه گوش تواند دانست.

«اصوات» آنگاه که به تنهایی و در قالب یک ترکیب و مجموعه، به صورت قطعه ای مستقل و یا در آمیزه ای با سایر زمینه های هنری به ذوق و دست انسان نظم و نظامی بر خود می پذیرند و یا آگاهانه و با هدف و یا استفاده از روشها و وسایل ویژه تالیف و هماهنگ ایجاد و یا شنیده می شوند، از صورت کلی حضور خود در «هستی» به حوزه «موسیقی» ساخته و پرداخته انسان نزدیک می گردند. خوش آن ذوق و دستی که به نوای حق سرورده باشد.

اما «موسیقی» با تمامی وسعت و دامنه و تنوع فراوان خود در طول تاریخ و در حال حاضر کلاً در دو چهره متضاد و متقابل به کار گرفته شده و جلوه نموده است. یکی مناسب مجالس عیش و طرب، و تشویق به بی خبری و بی خردی، و دیگری - در نقش یاری رساننده به تلطیف روح آدمی انتقال فرهنگ بومی، حسن سلوک و رفتار در همراهی با نظم و نثر، شعر و ادبیات یا سایر فعالیت های اجتماعی و هنری و فرهنگی و یاری رساننده به تلاش و سازندگی و نظم دهنده به رفتار و آموزش و بالاخره تابه آن حد که زینت تلاوت قرآن کریم. در نقل «تاریخ سینه به سینه» و یا انجام مراسم آیینی که حفظ و ارایه شہامت ها و مردانگی ها و تشویق و ترویج خوبی ها درستی ها و زیبایی ها را همراه دارد و از محمل های فرهنگ و تمدن انسانی است، موسیقی نقش اساسی بازی می کند.

هرچند پاره ای از اهل موسیقی، صورت نخست را از دایره موسیقی خارج دانسته آنرا شایسته این نام نمی دانند، لیکن واقعیت این است که امروزه «موسیقی» به این مجموعه ناهمگون اطلاق و در دو خط سیر یاد شده طی طریق می نماید.

گروه آموزشی طراحی صنعتی

فارغ التحصیلان این دوره توانایی‌های متنوعی دارند که از آن جمله: ● طراحی اشیاء متناسب با ابعاد جسمانی و روانی انسان و با توجه به نیازهای خاص جامعه، برای تولید انبوه صنعتی، ● ایجاد تحول کمی و کیفی در طراحی تولیدات مورد استفاده صنعتی با ارایه طرح‌های ابداعی، ● کمک به صنایع داخلی در جهت استقلال و بی‌نیازی از محصولات صنعتی روزمره و ماشین‌آلات سرمایه‌ای.

ضمناً فارغ التحصیلان این دوره می‌توانند در امور زیر نیز به خدمت پردازند: ● سرپرستی گروه طراحی کارخانجات به عنوان مسئول طراحی یکی از شاخه‌های مختلف تولیدات صنعتی مورد استفاده زندگی مانند وسایل خانگی، صوتی، نوری، بازی، حمل و نقل و... ● همکاری با گروه طراحی در کارخانجات صنعتی یا دفاتر خصوصی، در یکی از شاخه‌های تولیدات صنعتی (ماشین‌آلات تولیدی، ساختمانسی و...)، ● طراحی صنعتی آزاد و مستقل به صورت قراردادی یا مشاوره، ● انجام کارهای پژوهشی و آموزشی در نهادها و سازمان‌های دولتی و خصوصی، و ● همکاری با متخصصین محیط زیست در رابطه با طراحی تولیدات مختلف صنعتی مربوطه.

پیرو کارایی فارغ التحصیلان رشته طراحی صنعتی در کشور و نیز نیازها و تقاضاهای بالای جامعه، ضروری گردید تا رشته طراحی صنعتی که به عنوان یکی از رشته‌های زیر گروه هنرهای تجسمی فعالیت داشت، به گروه مستقل تبدیل شود. بنابراین در سال ۱۳۷۹ و به همت مرحومه مهندس فرزانه کارکیا این امر تحقق یافت و ایشان نیز به عنوان اولین مدیر گروه منصوب شدند. در حال حاضر رشته طراحی صنعتی در دو مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد در گروه طراحی صنعتی دایر است.

رشته طراحی صنعتی از جمله رشته‌های نوین آموزش عالی است که با توجه به اهمیت این رشته در توسعه اقتصادی، اجتماعی و صنعتی جوامع، به سرعت جایگاه خاصی پیدا کرده است.

در قالب نیازهای توسعه کشور نیز پس از انقلاب اسلامی به عنوان یکی از رشته‌های مورد نیاز جامعه مطرح و برای اولین بار به صورت یک رشته هنری در گروه هنرهای تجسمی تاسیس گردید. نیاز جامعه صنعتی از یک سو و کارایی فارغ التحصیلان اولیه این رشته باعث گردید تا به عنوان یکی از برترین رشته‌های گروه هنر شناخته شود. براین اساس، اکثریت قریب به اتفاق برترین داوطلبان گروه هنر کنکور سراسری هر ساله این رشته در دانشکده هنرهای زیبا را به عنوان اولین رشته خود انتخاب می‌نمایند.

طرح جامع تربیت کارشناسان متعهد و متخصص در زمینه طراحی صنعتی در گروه هنر شورای عالی برنامه‌ریزی تدوین یافته است. بر اساس این طرح، هدف دوره کارشناسی طراحی صنعتی آماده نمودن کادر طراحی صنعتی مورد نیاز حال و آینده کشور است، به نحوی که قادر باشند در زمینه‌های مختلف طراحی تولیدات صنعتی مورد نیاز، جامعه و صنایع را در جهت‌گیری درست به سوی استقلال اقتصادی و فرهنگی و با توجه به ابعاد انسانی و فرهنگی یاری دهند.

در قالب ضرورت و اهمیت رشته کارشناسی طراحی صنعتی موارد ذیل قابل اشاره هستند: ○ نیاز حیاتی جامعه به استقلال اقتصادی و فرهنگی، ○ احتیاج مبرم و روز افزون صنایع نوپای کشور به طراحان صاحب ذوق و ابتکار برای همپایی و رقابت با محصولات خارجی، ○ ضرورت وارد نمودن ویژگی‌های خاص فرهنگی جامعه و نیز خصوصیات انسانی در طرح مصنوعات ساخته شده در داخل کشور، ○ نیاز جامعه به متخصصین بین رشته‌ای در صنعت و هنر برای ارتقای توانمندی‌های محیط مصنوع زندگی.

نتیجه‌گیری:

جایگاه رشته‌های هنر، معماری و شهرسازی دانشگاه تهران و راه کارهای ارتقا

سپری شده است. همگام با تغییرات و تحولات در شرایط مملکت و نیز همسو با توسعه و پیشرفت رشته‌های مزبور در مقیاس جهانی، پویایی و ارتقای رشته‌ها ضروری است. هم‌اکنون شش هنر از هنرهای هفتگانه شناخته شده، در دانشکده هنرهای زیبا در حال تدریس، تحقیق و پژوهش

هنر، معماری و شهرسازی ایرانی از دیرباز در محدوده فرهنگی جهان جای خود را داشته و هنوز نیز در تعامل جهانی داعیه‌ای این چنین دارد. دانشگاه تهران نیز پایه‌گذار تمامی رشته‌های هنر، معماری و شهرسازی در نظام آموزش عالی ایران بوده و بیش از شش دهه از تاسیس اولین رشته‌های فوق

ضلع جنوبی (خیابان انقلاب اسلامی) را ساختمان‌های دانشکده هنرهای زیبا تشکیل داده است. رواق طولانی واقع در میان ساختمان‌ها که فضای ارتباطی اصلی ساختمان‌ها است، همراه با حیاط و باغچه‌های واقع در بین ساختمان‌های مختلف، با تلفیقی از فضاهای خالی منحصر به فرد هستند. (ر. ک. مهندسین مشاور آمود، ۱۳۷۸)

با این حال، به موازات افزایش چشمگیر در تعداد دانشجویان دانشکده نسبت به گذشته و نیز تاسیس بسیاری از رشته‌ها در گروه‌های قدیمی و نیز تاسیس رشته‌ها و گروه‌های جدید برنامه درخور برای تامین فضای لازم تدوین نشده و به اجرا در نیامده است.

همانگونه که قبلاً ذکر گردید، دانشگاه تهران به عنوان دانشگاه مادر در بسیاری از رشته‌ها، از جمله رشته‌های هنر، معماری و شهرسازی مطرح بوده است. رسالت این دانشگاه ایجاب می‌کند تا به موازات تحول در شرایط تاریخی و نیاز به ارتقاء رشته‌های موجود دانشگاهی با نیازهای جدید توسعه جامعه، برنامه‌ریزی‌های لازم انجام شود. لازمه همگامی با شرایط جدید گسترش و توسعه کمی و کیفی رشته‌های موجود همراه با ایجاد تخصص‌ها و رشته‌های جدید است. با داشتن توان علمی ناشی از فعالیت‌های گذشته و حال و حضور هیئت علمی مبرز، این نیاز می‌تواند تا حدود زیادی مرتفع گردد. برای مثال، گروه معماری این دانشکده در سال‌های اخیر و پا به پای نیازهای جامعه و بهره‌گیری از تجربیات به روز جهانی، اقدام به ایجاد رشته‌های جدید در دوره کارشناسی ارشد نظیر معماری منظر، مرمت ابنیه، مدیریت ساخت، انرژی و معماری و معماری و تکنولوژی نموده است. گروه شهرسازی نیز از شرایط مشابهی برخوردار بوده و تاسیس رشته‌هایی نظیر مدیریت شهری، برنامه‌ریزی منطقه‌ای و برنامه‌ریزی مسکن در مقطع کارشناسی ارشد را در دستور کار قرار داده است. گروه هنرهای تجسمی با سابقه طولانی خود، می‌تواند اقدام به تاسیس رشته‌ها و تخصص‌های جدید و توسعه رشته‌های موجود در مقاطع بالاتر از کارشناسی نظیر نقاشی، عکاسی، مجسمه‌سازی، ارتباط تصویری نماید. گروه نمایشی نیز در رشته‌های کارگردانی، بازیگری، ادبیات نمایشی، طراحی صحنه و نمایش عروسکی می‌تواند اقدام مشابه نماید. گروه‌های موسیقی و طراحی صنعتی نیز با توجه به شرایط کنونی و نیازهای جامعه توسعه کیفی و گسترش در مقاطع بالاتر را در دستور کار قرار دهد.

است. این دانشکده تا به امروز سهم به‌سزا و تعیین‌کننده‌ای در دگرگونی فضای هنری و فضای کالبدی جامعه داشته است و صاحب نظران و هنرمندان بسیاری از این دانشکده چه در مقیاس ملی و چه در مقیاس جهانی مطرح بوده و هستند.

تنوع رشته‌ها و افزایش آن از سه رشته اولیه در مقطع کارشناسی به بیش از بیست رشته کنونی در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری نشان از عزم دانشگاه و دانشکده برای ارتقای کمی و کیفی دارد. بسیاری از دانش‌آموختگان این دانشکده هم اکنون نه تنها در بخش حرفه‌ای کشور کلام نخست را می‌گویند، بلکه با تاسیس رشته‌های خود در دانشگاه‌های تازه تاسیس، جریان آموزش و پژوهش را رهبری می‌کنند. بسیاری از دستگاه‌ها و نهادهای مملکت، اعم از نهادهای دولتی و خصوصی، تعامل تنگاتنگی با دانشکده دارند و این تعامل از طریق انجام طرح‌های تحقیقاتی و پژوهشی مشترک، دوره‌های آموزشی در رده‌های مختلف و نیز اشتغال فارغ‌التحصیلان است.

با این حال، چالش‌هایی نیز در فرا روی ارتقای رشته‌های هنر و معماری و شهرسازی در دانشکده هنرهای زیبا مشهود است. این چالش‌ها از آنجا ناشی می‌شود که علی‌رغم عزم و اراده دانشگاه و دانشکده برای ارتقای رشته‌ها و ایفای تداوم در نقش محوری در آموزش و پژوهش آنها، دغدغه‌هایی نیز وجود دارد. ارتقا و تداوم کیفیت نیازمند ابزار لازم، از جمله توسعه کالبدی در خور با توسعه و گسترش رشته‌ها، و تأمین تجهیزات و امکانات پشتیبانی است. علی‌الاصول ماهیت رشته‌های هنر، معماری و شهرسازی به گونه‌ای است که اولاً فضاهای خاصی را می‌طلبد. برای مثال، رشته‌های معماری، شهرسازی، نقاشی، مجسمه‌سازی، طراحی صنعتی، عکاسی، گرافیک، موسیقی و هنرهای نمایشی در گرایش‌های مختلف خود نیازمند آتلیه‌ها، کارگاه‌ها، پلاتوها و سالن‌های نمایش متنوع هستند که سرانه فضای آنها بالاتر از سرانه سایر رشته‌های نظری و فنی است. ثانیاً دستگاه‌ها، تجهیزات و مواد مصرفی این رشته‌ها نیز از هزینه‌های بسیار بالاتری برخوردار است.

در رابطه با ساختمان‌ها و فضاهای کالبدی، باید گفت که اولین بناهای دانشکده هنرهای زیبا از جمله بزرگترین ساختمان‌های دانشگاه تهران بوده‌اند که در سال ۱۳۲۸ به بهره‌برداری رسیده‌اند. بناها و فضاهای دانشکده از ویژگی منحصر به فردی برخوردار هستند. قسمت عمده‌ای از نمای شرقی دانشگاه تهران و نیز تنها نمای ساختمانی دانشگاه در

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- برگرفته از: ممیز، ۱۳۶۹ و ۱۹۹۵؛ اساسنامه دانشکده، ۱۳۴۶؛ دانشگاه تهران، ۱۳۵۳.
- ۲- آندره گدار (Andre Godard) معمار و باستانشناس فرانسوی به عنوان بینانگذار دانشکده هنرهای زیبا در ایران شناخته می‌شود. وی از ۱۳۰۷ تا ۱۳۳۸ بیش از سی سال از عمر خود را در ایران سپری کرد و در سال ۱۳۳۸ به فرانسه بازگشت. وی تجربه و دانش خود را در تالیفاتی به‌کار بست که در حال حاضر از متون پژوهشی در رابطه با فرهنگ ایران به‌شمار می‌رود. گدار، تحصیلات عالی خود را در دانشکده هنرهای زیبای پاریس گذرانید و در حین تحصیل به فرهنگ و هنر خاورمیانه علاقمند شد.
- پیرو بازدید وی که وزیر فرهنگ وقت (اسماعیل مرآت) از فرانسه و دانشگاه پاریس به‌عمل آورد و درخواست همکاری از دولت فرانسه، گدار داوطلب ماموریت به ایران شد. وی پس از ورود به سمت سرپرست فنی و در سال ۱۳۰۸ به عنوان مدیر کل باستان‌شناسی مشغول به‌کار گردید. از سال ۱۳۱۳ تا سال ۱۳۱۵ ه. ش بخش‌هایی از دانشگاه شامل دانشکده پزشکی، داروسازی، دندانپزشکی و فنی، با طراحی و نظارت وی توسط شرکت فرانسوی سنتاب به مرحله اجرا درآمد. گدار همچنین طراح و معمار ساختمان‌هایی نظیر موزه ایران باستان، کتابخانه ملی، آرامگاه حافظ، آرامگاه سعدی و ... است که اکثراً با الهام از معماری ادوار تاریخی ایران ساخته شده‌اند. از مهم‌ترین تالیفات او کتاب «آثار ایران» است که مجموعه کامل گزارش‌های باستان‌شناسی در سال‌های ۱۹۳۶ تا ۱۹۴۹ می‌باشد. کتاب معماری ایران در قرن هفتم هجری، کتاب خراسان، صنعت معماری هخامنشی و طاق‌های ایرانی نیز از جمله کتب آندره گدار در مورد فرهنگ و هنر معماری ایران است. گدار پس از بازگشت به فرانسه کتاب «هنر ایران» را نیز به رشته تالیف در آورد که در حال حاضر مورد استفاده دانش‌پژوهان و دانشجویان رشته‌های هنر و معماری قرار دارد. در تمامی دوران فعالیت آندره گدار در ایران، معمارانی چون ماکسیم سیرو، موزر و لئون مارکف همراه او بوده و در طراحی و نظارت با وی همکاری داشته‌اند.
- ۳- هنرکده هنرهای زیبا که در مدرسه خان مروی پا می‌گرفت (۱۳۱۹)، در میان دانشجویان خود محمدکریم پیرنیا را نیز پذیرفته بود. جوان با ذوقی که تحصیلات اولیه‌اش را در یزد گذرانیده و اینک با عشق به هنر، پا به اولین مدرسه معماری ایران می‌گذاشت.
- استاد پیرنیا در حین انجام مسئولیت‌های اداری، کار تدریس را نیز رها نکرد و او را پدر معماری ایران لقب دادند. افکار و نوشته‌های تحلیلی پیرنیا، موج جدیدی در نگرش به هنر و فرهنگ اسلامی بوجود آورد. او در تمام دوران کار فرهنگی و پژوهشی خود، گنجینه‌ای با ارزش از اطلاعات در زمینه‌های مختلف معماری پدید آورد که اینک دست‌مایه پژوهشی و فرهنگی در ارتباط با معماری ایران به‌شمار می‌رود. دانشگاه تهران اولین دکترای افتخاری در رشته معماری را در سال ۱۳۷۳ به استاد پیرنیا اهداء نمود.
- ۴- با تصویب شورای برنامه‌ریزی دانشگاه در خرداد ماه ۱۳۸۲، گروه هنرهای تجسمی به سه گروه «نقاشی و مجسمه سازی»، «ارتباط تصویری و عکاسی» و «هنرهای تجسمی» تبدیل شده و بنابراین در حال حاضر دانشکده دارای ۸ گروه آموزشی می‌باشد.

فهرست منابع و مآخذ

- اداره آموزش دانشکده هنرهای زیبا (۱۳۷۹)، «بانک اطلاعاتی دانشکده هنرهای زیبا و پرونده‌های موجود».
- دانشگاه تهران (۱۳۵۲) «راهنمای دانشگاه تهران: سال تحصیلی ۱۳۵۲-۱۳۵۳»، دفتر مطالعات آموزشی دانشگاه تهران، صفحات ۸۸۲-۸۲۱.
- گروه آموزشی هنرهای تجسمی (۱۳۷۹)، «گزارش مسائل و مشکلات گروه آموزشی هنرهای تجسمی در تاریخ ۱۳۷۹/۲/۱۸».
- مهندسین مشاور آمود (۱۳۷۸): «طرح توسعه دانشگاه‌های تهران و علوم پزشکی تهران در محوطه‌های اطراف. بررسی امکانات کالبدی دانشکده هنرهای زیبا در انطباق با جمعیت دانشجویی- ویرایش اول».
- ممیز، مرتضی، ۱۳۶۹ «نیم قرن دانشکده هنرهای زیبا» - مجله کلک شماره ۱۲ و ۱۱.
- ممیز، مرتضی، ۱۹۹۵ «دانشکده هنرهای زیبا» دائره‌المعارف Acta Iranica، دانشگاه کلمبیا، نیویورک.